



## نوجوانان، محافظان زبان فارسی

گفت‌وگو با مهدی صالحی  
دبیر انجمن ویرایش و درست‌نویسی

ورق بزنید

بعضی از ما دوست داریم این طور بنویسیم:  
«بزار تایم بت بدم دیگ»، «س چخبر نگفتی ک میای یان»،  
«اکی پ خبر اتو»، «میخام راجب ی چیزه مهمه محرمانه  
بحرفیم»، «اصن نمیفهمم کانسپت حرفو»، «عاقاب من  
تکست بده خستم».

مدتی ست بعضی ها مرتب از این جور نوشتن بعضی از ما،  
ناراحت اند و نگران. آن ها مدام از زبان فارسی  
حرف می زنند و بعضی هایمان سر در نمی آوریم  
نگرانی شان چیست.

امروز با کسی که کارش درست کردن نوشته های  
دیگران و مراقبت از زبان فارسی است، حرف زده ایم تا  
او برایمان بگوید گیر کار کجاست!

«مهدی صالحی» یک سرویراستار حرفه‌ای و دبیر انجمن ویرایش و درست‌نویسی ایران است. او که دل‌پری از تهدیدهای تاریخی دور و نزدیک برای زبان فارسی داشت، گفت: «تاریخ به ما نشان داده همواره دست‌هایی درکارند تا این زبان را از ما بگیرند. کسانی تلاش کرده‌اند خط ما را عوض کنند؛ همان‌طور که در کشورهای دیگر این‌کار را کرده‌اند. باید حساس باشیم. نباید فکر کنیم چون زبان فارسی ما - البته این گونه جدیدش - هزار و دویست سال عمر دارد، پس تا ابد باقی خواهد ماند و مراقبتی احتیاج نخواهد داشت.

خیلی از زبان‌شناس‌ها و مستشرقین معتقدند زبان فارسی، دنیا را خواهد گرفت. بعضی از متفکرین معتقدند زبان فارسی خیلی ساده و شیرین است. زبان فارسی دوهزارسال زبان جادۀ ابریشم بوده و این همه سال وقت داشته خودش را ساده، خوش‌آوا و خوش‌آهنگ کند. طی این مدت، خیلی از فرهنگ‌ها را به خودش راه داده و آن‌ها را در خودش حل و هضم کرده. تلاش کرده زبانی باشد که به درد رشد و توسعه و تجارت بخورد و همین‌طور هم بوده.

می‌دانید که جادهٔ ابریشم مهم‌ترین جادهٔ تجاری دنیا بوده! حالا اگر امروز زمزمه‌هایی بلند است که زبان فارسی یک زبان ضد توسعه است، این ناشی از نشناختن زبان فارسی است. تازه اذعان بزرگی به این نکته است که می‌خواهند زبان فارسی را از بین ببرند. از دوران مشروطه به این طرف، برای تخریب و تضعیف زبان فارسی، سرمایه‌گذاری زیادی شده. همین نشان می‌دهد باید در مقابل این زمزمه‌های دشمن ایستاد و برای رشد زبان فارسی سرمایه‌گذاری کرد».

«زبان فارسی ویژگی‌هایی دارد که منحصر به خودش باشد؟») این پرسش بعدی ما از مهدی صالحی بود که این‌طور به آن پاسخ داد: «هر زبان چارچوب‌های شناختی خودش را دارد که در جای خودشان جذاب‌اند. همان‌قدر که زبان انگلیسی برای بعضی‌ها اهمیت دارد، زبان‌های سرخ‌پوستی هم در بستر شناختی و قومیتی خودشان مهم‌اند. دربارهٔ زبان فارسی اما ویژگی‌های اختصاصی جذابی وجود دارد؛ مثلاً این‌که تقریباً هیچ‌زبانی این‌قدر سابقه و پیشینه ندارد. اولین امپراطوری زبانی جهان در اختیار زبان فارسی بوده.»

در کل جادۀ ابریشم، همه زبان فارسی را می‌فهمیده و فارسی صحبت می‌کرده‌اند. کسانی از اقوام غیرفارس که زبان‌های مختلف دنیا را بلدند، وقتی گفت‌وگوی دو فارسی‌زبان را می‌شنوند، حس می‌کنند آن‌ها دارند آواز می‌خوانند! زبان فارسی به گوش این آدم‌ها مثل ترانه‌های محلی خودشان خوش‌آواست. از طرف دیگر، ببینید چه عرفان و معنویتی حول زبان فارسی و به کمک آن شکل گرفته. تقریباً ده‌هزار شاعر به زبان فارسی شعر سروده‌اند و همه روح معنوی آثار آن‌ها وام‌دار ظرفیت زبان فارسی است. این شعرها، معنای عشق، عرفان و حکمت را به کمک زبان فارسی توسعه داده‌اند.

زبان فارسی در همهٔ ارکان فرهنگی ایران حضور فعال داشته؛ از معماری بگیرید تا ادبیات، از آشپزی تا صنعت! این زبان در همهٔ زمینه‌ها خودش را توسعه داده و این، بسیار ارزشمند است)) ما هم دوروبرمان زیاد دیده‌ایم، نه؟ آدم‌های زیادی این روزها حس می‌کنند اگر از کلمات بیگانه در گفت‌وگوهایشان استفاده کنند، باکلاس‌ترند! بعضی‌ها هم می‌گویند ((آدم یه وقتایی مودش رو با انگلیسی بهتر می‌تونه نشون بده!



مهدی صالحی اول رفت سراغ نگاه پشت این رفتار: «مشکل اول ما با این رفتار اشتباه، علت آن است. ما فکر می‌کنیم اگر فارسی‌انگلیسی درهم حرف بزنیم، آدم مهمی می‌شویم! باسوادیم! متمدنیم! اما اگر فارسی حرف بزنیم، می‌رویم جزء آدم معمولی‌ها! اول باید از خودمان بپرسیم چرا این‌طور فکر می‌کنیم؟ مشکل بعدی این است که استفاده از واژه‌های بیگانه تنها در این سطح متوقف نمی‌شود. این کلمه‌های بیگانه که وارد زبان ما می‌شوند، گاهی تنها در یک معنا استفاده نمی‌شوند و ده‌ها تعبیر و واژه را از زبان ما اخراج می‌کنند. همین کلمه «مرسی» را ببینید! ما در زبان فارسی برای تشکر از آدم‌های مختلف در موقعیت‌های مختلف، تعابیر مختلفی داشتیم که بیشترشان، وجه داعی داشتند.

مثلاً: «دست مریزاد»، «خدا خیرت بده»، «دست به خاکستر بزنی طلا بشه»، «خیر بینی»، «عمرت بلند» و... حالا به جای این همه دعا و معنویت و حال خوب، یک کلمه نامأنوس بیگانه نشسته که هیچ روح و حسی را به شنونده اش منتقل نمی‌کند! مرسی یک کلمه بی‌روح است؛ درحالی‌که هم‌زبانان فرهنگی ما در افغانستان برای تشکر می‌گویند: «مهربانی کردی!». ببینید این جمله چقدر انرژی مثبت و حال خوب دارد و رشددهنده است! از طرف دیگر، این کلمه‌ها، قابل ترکیب با کلمات دیگر زبان ما نیستند. پس هیچ خلاقیت و ظرفیتی را به ما اضافه نمی‌کنند. کارشان فقط این است که زبان ما را از درون پوک و کلمات خودی اش را از آن خارج کنند. جنس وارداتی پرمدها هستند که تیشه به ریشه تولید ملی ما می‌زنند!!

